



# خانه‌ای از گذشته تا امروز

ابراهیم شبرنگی  
شعبه ۳ تأمین اجتماعی اصفهان

خاطره دوم

گوشه‌وکنار مهمانسرا تعریف می‌کرد که برایم عجیب بود. سرانجام با لبخندی آمیخته به شگفتی گفت: «باورم نمی‌شد- آن خانه‌ای که سازمان خریده و بازسازی کرده، در واقع خانه قدیمی خود ما بود.» خانه‌ای که سال‌ها پیش در هیاهوی جنگ از آن جدا شده بود، حالا پس از گذشت زمان، به شکلی غیرمنتظره دوباره میزبانش شده بود.



رویاریویی پرتنش یک دستفروش با کارکنان شعبه، در نهایت به کشف یک اشتباه ساده و آشنایی او با خدمات بیمه‌ای تأمین اجتماعی انجامید

روزی یکی از همکاران جانباز با من تماس گرفت. او دنبال آدرس مهمانسرای سازمان در خرمشهر می‌گشت. با زحمت فراوان و پس از طی مراحل مختلف نوبت و قرعه‌کشی، بالاخره موفق شده بود یک شب اقامت در مهمانسرای سازمان را رزرو کند.

آن روزها به همت مدیرعامل وقت، تعدادی خانه در شهر خرمشهر خریداری شده بود تا به عنوان خانه‌های سازمانی و مهمانسرا مورد استفاده قرار گیرد. شهری که هنوز هم با کمبود امکانات و برخی محرومیت‌ها دست و پنجه نرم می‌کند و در عین حال مقصد بسیاری از کاروان‌های راهیان نور و مردمی است که بخشی از خاطرات و زندگی‌شان را در آنجا جا گذاشته‌اند.

همکارم پشت تلفن گفت: «من قبل از جنگ ساکن خرمشهر بودم. جنگ ما را از خانه و کاشانه‌مان جدا کرد و سال‌ها با درد دوری و زخم‌های به جا مانده از آن روزها زندگی کرده‌ایم.» چند روز بعد که او را در اداره دیدم، از کیفیت مهمانسرا و اقامتش در خرمشهر پرسیدم. با چنان شوق و ذوقی از